

خط بعد از اسلام

با آمدن اسلام به ایران و گسلیدن فرهنگ بعد از اسلام ایران از قبل از اسلام، مبحث خط نیز به دو قسمت می شود؛ قسمتی از آن مربوط به خطوط ماقبل اسلام در ایران قسمت دیگر مربوط به خط بعد از اسلام است.

در این قسمت تاریخ خط فارسی همان تاریخ خط عربی است. که ابتدا اما تاریخ خط عربی به اجمال ذکر می کنیم.

بنابر گفته ی جرجی زیدان چنین است. اعراب حجاز مدرکی دال بر خط و سواد داشتن خود ندارند، ولی از اعراب شمال و جنوب حجاز آثار کتابت بسیار بدست است که معروفترین این مردمان مردم یمنی اند که با حروف مسند می نوشتند و دیگر نبطی های شمال اند که خطشان نبطی است. مردم حجاز که بر اثر صحرانشینی از کتابت خط بی بهره ماندند، کمی پیش از اسلام بعراق و شام می رفتند و بطور عاریت از نوشتن عراقیان و شامیان استفاده می کردند و چون به حجاز می آمدند، عربی خود را با حروف نبطی یا سریانی و عبرانی می نوشتند. خط سریانی و نبطی بعد از فتوحات اسلام نیز میان اعراب باقی ماند و تدریجاً از نبطی، خط نسخ پدید آمد و از سریانی، خط کوفی. خط کوفی در ابتدا به خط حیری مشهور بود و بعدها که مسلمانان کوفه را در نزدیکی حیره ساختند، این خط نام کوفی گرفت. سریانیهای مقیم عراق خط خود را با چند قلم می نوشتند که از آن جمله، خط مشهور به سطرنجیلی مخصوص کتابت تورات و انجیل بوده است. عربها در قرن اول پس از اسلام این خط (سطرنجیلی) را از سریانی اقتباس کردند و یکی از وسائل نهضت آنان همین خط بوده است. بعدها خط کوفی از همان خط پدید آمد و هر دو خط از هر جهت بهم شبیه هستند. مورخین درباره ی شهری که خط از آنجا به حجاز آمده، اختلاف نظر دارند و به قول مشهور خط سریانی از شهر قدیمی انبار به حجاز آمده است. و می گویند مردی به نام بشر بن عبدالملک کندی برادر اکید بن عبدالملک فرمانروای دومه الجندل، آن خط را در شهر انبار آموخت و از آنجا به مکه آمده صهباء دختر حرب بن امیه، یعنی خواهر ابوسفیان را تزویج کرد و عده ای از مردم قریش نوشتن خط سریانی را از داماد خود بشر بن عبدالملک آموختند و چون اسلام پدید آمد، بسیاری از مردم قریش مقیم مکه خواندن و نوشتن می دانستند تا آنجا که پاره ای گمان کردند سفیان بن امیه اول کسی بود که خط سریانی را به حجاز آورد. باری عربها در سفرهای بازرگانی که به شام می رفتند خط نبطی را از مردم حوران و از عراق خط کوفی را آورده اند و همانطور که تورات به خط «سطرنجیلی» تحریر می یافت، آنها قرآن را با «خط کوفی» نوشتند در «خط کوفی» و خط «سطرنجیلی» چنین رسم است که اگر الف ممدود در وسط کلمه واقع می شد، در کتابت می افتاد چنانکه در اوایل اسلام مخصوصاً در تحریر قرآن این قاعده کاملاً مراعات می شد و به جای «کتاب» «کتب» و به جای «ظالمین» «ظلمین» می نوشتند. پس از آمدن اسلام، عربهای حجاز با نوشتن آشنا بودند، ولی عده ی کمی از آنها نوشتن می توانستند و آنان از بزرگان

صحابه شدند که بعضی از آنها «علی بن ابیطالب» و «عمر بن خطاب» و «طلحه بن عبیدالله» بودند. در زمان خلفای راشدین و بنی امیه، قرآن را به خط کوفی می نوشتند و مشهورترین قرآن نویس بنی امیه، مردی بود قطبه نام و خیلی خوشخط بود و به علاوه خط کوفی را با چهار قلم می نگاشت. در اوائل دولت عباسی دوازده قلم خط به شرح زیر معمول بود:

۱- قلم جلیل ۲- قلم سجالات ۳- قلم دیباج ۴- قلم اسطور مار کبیر ۵- ثلاثین ۶- قلم زنبد ۷- قلم مفتوح ۸- قلم حرم ۹- قلم مد مرات ۱۰- قلم عمود ۱۱- قلم قصص ۱۲- قلم حرفاج.

در زمان مأمون نویسندگی اهمیت پیدا کرد و نویسندگان در نیکو ساختن خط به مسابقه پرداختند و چندین قلم دیگر به نام قلم مرصع، قلم نساخ، قلم رقاع، قلم غبارالحلیه، قلم ریاسی. و در نتیجه، خط کوفی به بیست شکل درآمد. اما خط نبطی یا نسخ، بهمان شکل سابق در میان مردم و برای تحریرات غیررسمی معمول بود تا آنکه ابن مقله خطاط مشهور متوفی به سال ۳۲۸ هـ. ق. با نبوغ خود خط نسخ را بصورت نیکویی درآورد و آنرا جزء خطوط رسمی دولتی قرار داد و خطی که امروز معمول است، همان خط اصلی ابن مقله می باشد. مشهور است که ابن مقله خط نسخ را از خط کوفی استخراج کرده است، ولی واقع آنست که خط کوفی و نبطی هر دو از اوائل اسلام معمول بوده و چنانکه گفته شد، کوفی را برای کتابت قرآن و امثال آن بکار می بردند و نبطی در مکاتبات رسمی استعمال می شد. و ابن مقله اصلاحاتی در خط نسخ نمود و آنرا برای نوشتن قرآن شایسته و مناسب ساخت. سپس به مرور زمان، خط نسخ فروعی پیدا کرد و به طور کلی دو خط نسخ و کوفی در کتابت عربی معمول گشت و هر کدام از آن شاخه هایی داشت که در قرن هفتم هجری مشهورترین آن به قرار زیر بوده است:

ثلث، نسخ، ریحانی، تعلیقی و رقاع

همین قسم خطاطان بسیاری بوجود آمدند و کتابها و رساله هایی درباره خط و خطاطی پرداختند.

درباره ی تاریخ خط فارسی در تذکره ی مرآت الخیال آمده است که انواع خطوط فارسی شامل: ثلث، رقاع، نسخ، توقیع، محقق و ریحان است و باز در آنجا آمده که خط هفتم تعلیق است که از رقاع و توقیع برآمده. پس از ذکر انواع خطوط مزبور نویسنده ی مرآت الخیال می آورد: «گویند که از متقدمین خواجه تاج سلمان این خطها را خوب می نوشت و خط هفتم که تعلیق باشد میر علی تبریزی در زمان امیر تیمور صاحبقران از نسخ و تعلیق استنباط نمود». خط فارسی رافع اقلامی است از جمله:

اجازت، تعلیق، توقیع، ثلث، جلی، جلی دیوانی، دیوانی، رقاع (رقعه)، ریحانی، سنبلی، سیاق، شجری، شکسته، شکسته ی نستعلیق

و کوفی یا نسخ